

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه صد و یکم، ۲۳ فروردین ۱۴۰۱

موضوع: مسائل مستحدثه (بوس)/مسائل متفرقه بوس - ربا /ادامه راه های برون رفت از ربا

### 1- حدیث اخلاقی (مراقبات ماه مبارک رمضان در خطبه شعبانیه)

در آستانه ماه برکت و ماه مغفرت و رحمت، یعنی ماه رمضان هستیم و امروز، آخرین روز درسی قبل از تعطیلات ماه مبارک رمضان است. امیدواریم ماه خوب و با برکتی داشته باشید. وقت ورود خطبه شعبانیه حضرت رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به نقل از امام رضا علیه السلام از ائمه طاهرین علیهم السلام است. حضرت امام رضا علیه السلام از پدرشان امام کاظم علیه السلام از پدران شان از امیرالمؤمنین علیه السلام است. راوی حضرت علی علیه السلام هستند.

#### 1-1.1، نکاتی در مورد فضای کلی این خطبه

نکته اول اینکه اگر زمان بگیریم، این خطبه ده دقیقه تا یک ربع بیشتر طول نمی کشد. باید خطبه ها و گفت و شنودهای ما پخته و محکم و پر مطلب، با مطالب کاربردی باشد و در زمان کم، بهترین و بیشترین مطالب را ارائه کنیم.

نکته دیگر، فصاحت و بلاغت است که در حد اعلی است. باید زمان شناس باشیم. ایراد خطبه در استقبال از ماه مبارک رمضان است. مخاطب شناس و زمان شناس باشیم.

نکته سوم برای فرهیختگان این است که در القای مطالب، متناسب با نیاز مخاطب حرف بزنیم. در فقه و اصول هم همین طور. مسائل نظری، بی فایده نیست. این طور هیچ مطلبی زائد نیست؛ ولی باید دید مخاطب ما در امروزش که با او گفت و گو می کنیم نیازمند چه چیزی است. این خطبه در اوج فصاحت و بلاغت است.

#### 1-1.2، نکاتی در مورد بعضی از قسمت های این خطبه

#### 1-1.3، چند توصیه برای بهره برداری بهتر از این ماه

حضرت اینجا که رسیدند، گریه کردند. حالت علمی به حالت عملی رسید. عالم باید عامل باشد. اگر عالم عامل بودیم، اهل نجاتیم. نهایت خطبه به ولایت و امامت می رسد. عظمت ماه رمضان، به نزول آیات الهی است. نزول آیات الهی، در لیلۃ القدر است. حقیقت لیلۃ

القدر، ولایت است. أشهد أن أميرالمؤمنين على بن ابى طالب و ذريته المعصومين و عصمةاللهالكبرى حجج الله على العالمين. بايد بگويم الحمد لله رب العالمين الحمدلله الذى جعلنا من المتمسكين بولاية اميرالمؤمنين عليهالسلام و ذريته المعصومين عليهمالسلام.

حقيقت ماه مبارك رمضان به ولایت است هر چه هست از ولایت و به ولایت است سير انفسى ماه مبارك رمضان يعنى از ولّى به ولّى. إنا لله و إنا إليه راجعون هم يعنى از ولایت است به ولایت است. مبدأ و مقصود جز ولّى كس ديگرى نيست.

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ [1].

ان شاء الله ماه خوبى داشته باشيد. از همه شما التماس دعا داريم.

#### 1-1.4، متن كامل خطبه شعبانيه

«عن أبي الحسن الرضا، عن أبيه، عن آبائه، عن أميرالمؤمنين عليه السلام قال: إنَّ رسول الله صلى الله عليه و آله حَظَبْنَا ذات يوم فقال صلى الله عليه و آله: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ، شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَ أَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَ لِيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ، وَ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كِرَامَةِ اللَّهِ، أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَ نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ، وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ، فَسئَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ، وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُوقِفَكُمْ لِصِيَامِهِ، وَ تَلَاوَةِ كِتَابِهِ، فَإِنَّ الشَّقَى مَنْ حُرِمَ غَفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ، وَأَذْكَرُوا بِجُوعِكُمْ وَ عَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَطَشَهُ، وَ تَصَدَّقُوا عَلَى فُقَرَائِكُمْ وَ مَسَاكِينِكُمْ، وَ وَقَرُوا كِبَارَكُمْ، وَ أَرْحَمُوا صِغَارَكُمْ، وَ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ، وَ أَحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَ غَضَّوْا عَمَّا لَا يَحِلَّ النَّظْرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ، وَ عَمَّا لَا يَحِلَّ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ، وَ تَحَنَّنُوا عَلَى أَيَّامِ النَّاسِ يَتَحَنَّنُ عَلَى أَيَّامِكُمْ، وَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ، وَ أَرْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَوَاتِكُمْ، فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ، يُحِبُّهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ، وَيُؤَلِّبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ، وَ يَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ. أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرَهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ، فَفَكَّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ، وَ ظَهُورِكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطَوْلِ سُجُودِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ وَ السَّاجِدِينَ، وَ أَنْ لَا يَرُوعَهُمْ بِالنَّارِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ. أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقٌ رَقِيَّةً، وَ مَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ لَيْسَ كُنَّا يَقْدِرُ عَلَيَّ ذَلِكَ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، اتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ بِشِرَّةٍ مِنْ مَاءٍ، أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَ مَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ، خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ، وَ مَنْ

كَفَّ فِيهِ سِرَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرْضًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مِمَّنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى ثَقَلِ اللَّهِ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخْفُ الْمَوَازِينُ، وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلَ اجْرِ مَنْ حَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ، أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ. وَإِنَّ أَبْوَابَ النَّيرانِ مُغْلَقَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَفْتَحُهَا عَلَيْكُمْ، وَالشَّيَاطِينُ مَغْلُولَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ، قَالَ اميرالمؤمنين عليه السلام: فَقُمْتُ وَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا حَسَنِ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. ثُمَّ بَكَى، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَبْكِيكَ؟ فَقَالَ يَا عَلِيُّ، أَبْكِي لِمَا يَسْتَحِلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ. كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ وَقَدْ انْبَعَثَ أَشَقَى الْأَوْلِيَيْنِ شَقِيقَ عَاقِرِ نَاقِهِ ثَمُودَ، فَضَرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ، قَالَ اميرالمؤمنين عليه السلام: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ. ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي، لِأَنَّكَ مَتَّى كَتَفَسِي، رُوْحَكَ مِنْ رُوْحِي، وَطِينَتَكَ مِنْ طِينَتِي، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَنِي وَآيَاكَ، وَأَصْطَفَانِي وَآيَاكَ، وَأَخْتَارَنِي لِلنَّبُوءَةِ، وَأَخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ، وَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيبِي وَأَبُو وُلْدِي وَرُوحُ ابْنَتِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي أَقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوءَةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَآمِينُهُ عَلَى سِرِّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ [2].»

## 2- خلاصه جلسه گذشته

رسیدیم به معاملاتی که جایز نیست و مرزبندی بین معاملات حرام و حلال. گفتیم راه‌های برون رفت حکمی و موضوعی از ربا داریم که معاملات ما سودآور باشد. سودآوری در اسلام از راه حلال، مطلوب است. ربا، سودآوری از راه حرام است. می‌شود همان را با کیفیت دیگری با وجه شرعی انجام داد. به همه بازاری‌ها و بورسی‌ها توصیه می‌کنم قبل از ورود به معاملات، در اینها دقت کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «الفقه ثم المتجر [3].»

## 3- برخی دیگر از راه‌های برون رفت از ربا

3-1-3، اخذ زیاده در معامله دیگر به عنوان هبه

یکی دیگر از راه‌های برون‌رفت از معاملات ربوی این است که یک طرف از طرفین، مقداری زیاده را همراهش کند؛ ولی این مقدار زیاده را هبه کند؛ مثلاً جنسی را با جنسی را معامله کند، ده من گندم با ده من گندم، یا خرما، ولی یک طرف می‌خواهد جنس یا پول را زیاده بگیرد؛ این زیاده را به عنوان معامله اول نگیرد؛ مثلاً به جای ده من، یازده من، یا به جای ده من، صد تومان بیشتر بگیرد؛ این زیاده به عنوان هبه باشد.

### 3.1-3، کلام صاحب جواهر رحمه الله در اخذ زیاده در معامله دیگر به عنوان هبه

«و کذا لو تبایعا متساویا و وهبه الزیادة إلى غیر ذلك مما یرج عن بیع المجانس بمثله متفاضلا لکن قال المصنف هنا کل ذلك من غیر شرط وهو متجه فی الآخر [4].»  
ایشان صحیح می‌دانند.

### 3-3.2، هبه‌ی طرفینی

یک معامله، بیع است که طرفینی است و یکی هبه طرف واحد است. هبه طرفینی را هم جلسه گذشته عرض کردیم. همه صحیح است.

### 3-3.3، قرض طرفینی، مشروط به ابراء ذمه طرف مقابل

راه بعدی برون‌رفت از ربا:

راه دیگر خروج موضوعی از ربا یا عوض کردن معامله ربوی با غیر آن، اینکه هر طرفی کالای خود را به دیگری قرض دهد و بعد ذمه را بری کند. مثلاً بگوید: ده تومان به شما دادم؛ ۱۵ تومان گرفتم و ذمه شما را بری کردم.

### 3-3.3.1-3، نظر صاحب شرایع رحمه الله در قرض طرفینی همراه با ابراء ذمه

«و قد یتخلص من الربا بأن یربیع أحد المتبایعین سلعته من صاحبه بجنس غیرها ثم یشتری الأخری بالثمن و یسقط اعتبار المساواة و کذا لو وهبه سلعته ثم وهبه الآخر أو أقرضه صاحبه ثم أقرضه هو و تبارء و کذا لو تبایعا و وهبه الزیادة کل ذلك من غیر شرط [5].»

اینجا هم دو معامله و دو کار است، نه یکی. اگر یک کار پیوسته به هم باشد، غیر شرعی است، ولی چند کار مستقل، اشکال ندارد؛ قرض می‌دهد و بعد ذمه را بری می‌کند.

هر چیزی که از مثلیتش خارج کنیم، ربا نیست.

### 3-3.4، صلح

راه بعدی، صلح است؛ جنسی را می‌دهیم و می‌گیریم و اضافه را به معامله ثانوی صلح می‌گیریم.

#### 3،4-3.4.1، نظر صاحب عروه رحمه الله در مورد صلح

«ومنها: أن یصلح صاحب مقدار الزیادة للآخر ویشتط علیه أن یبیعه كذا مثلا بمثل؛ هذا فی البیع، و فی القرض أن یصلح المقترض مع المقرض قبل القرض المقدار الذي یرید أن یأخذ منه بعوض جزئی أو بلا عوض ویشتط فی ضمن هذه المصالحة أن یقرضه مبلغ كذا ویصبر علیه إلى كذا مدة، وإذا كان الدین سابقا وحل أجله ویرید أن یؤجله إلى مدة یجوز أن یصلحه بمقدار ویشتط علیه أن یؤجله إلى تلك المدة [6].»

#### 3،4-3.4.2، نظر سید عبدالاعلی سبزواری رحمه الله در مورد صلح

سید عبد الاعلی سبزواری تهذیب در اصول دارد و مهذب در فقه و تفسیر که مختصر و مفید است؛ از اینها غفلت نکنید.

ایشان در مهذب، ج ۲۱، ص ۷۱ این راه را به عنوان راه برون رفت بیان می‌کنند [7]. اضافه را مرتبط به معامله صلح کنیم، نه معامله اول.

قرض و صلح و هبه، راه‌های برون رفت از ربا است. اگر اضافات مرتبط به اولی و با شرط معامله اول باشد، جایز نیست. ولی اگر اضافات را مستقل با معامله دیگر بگیریم، ولو معامله قبلی پیش‌نیاز این باشد، اشکال ندارد. پله اول، مقدمه پله دوم است؛ مانند گفتگوی قبل معامله است. این، ربط عرفی است؛ ولی ربط شرعی و اتصال جایز نیست.

#### 3،4-3.4.3، ادله روایی صلح

مؤید راه صلح این است که ادله صلح شامل آن می‌شود. در این زمینه، روایات مختلفی داریم. در وسائل، روایت صحیح‌های داریم.

محمد بن یعقوب، عن علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن ابن أبی عمیر، عن حفص بن البختري، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: «الصلح جائز بین الناس»؛ [8] صلح، بین مردم جایز است.

این روایت در کتاب تهذیب، ج ۶، ص ۲۰۸ هم وجود دارد.

در همین باب وسائل هم روایات دیگری در مورد صلح وجود دارد.

یک راه برون رفت از معاملات بانکی که قابل شرعی شدن است، عقد صلح است. ان شاء الله در بانکداری اسلامی برسیم.

#### 4- ضابطه کلی راه‌های خروج از ربا از نظر صاحب جواهر رحمه‌الله

صاحب جواهر در ادامه می‌فرماید:

«إلى غير ذلك مما يخرج عن بيع المجانس بمثله متفاضلا [9].»

هر چیزی که ما را از بیع مجانس و مماثل خارج کند، این خروج از ربا است؛ اعم از اینکه به قرض باشد، یا هبه، یا شرایط دیگر باشد.

#### 5- نتیجه نهایی در مورد بورس و راه‌های برون رفت از ربا

نتیجه اینکه بورس، مشروع است. شاید در بورس، معاملات غیر مشروع انجام شود، ولی معامله غیر مشروع جزئی منافاتی با مشروعیت کلی ندارد. بازار بورس مانند سایر بازارها است، فقط پیشرفته‌تر است. سهام به سهام، کالا به کالا، ارز به ارز، هیچ یک نباید ربوی باشد. در خروج حکمی، پدر و پسر ربا ندارند؛ سید و رعیت ربا ندارند؛ زن و شوهر هم خروج حکمی دارند.

ولی در مسائلی که عرض کردیم در قرض و هبه و صلح، خروج موضوعی دارد. شارع، راه سودآوری را باز گذاشته است؛ حکما یا موضوعا، تخصیصا یا تخصصا؛ فقیه باید ببیند کدام است.

#### 6- مبنای ما راه‌های برون رفت از ربا عرفی عقلایی است

در راه‌های برون رفت از ربا راه‌هایی را معتبر می‌دانیم که عقلایی عرفی باشد. بعضی اوقات این قدر تفاوت ظریف است که عرف توجه نمی‌کند؛ مانند چند دانه گندم؛ گاهی هم عکس است.

#### 7- ارزش پول به مثلثیت در مثلین است

عرف عقلا گاهی زیاده را زیاده نمی‌داند؛ مثلا تورم، کم است؛ صد تومان داده است و مبلغ کمی بالا رفته است؛ توجه نمی‌کند و اشکال ندارد؛ ولی گاهی تورم ۳۰ درصد و ۴۰ درصد است و تفاوت بالا است؛ به نظر ما اگر همان پولی که داده است بگیرد، ظلم است. قرض و وامی داده حالا ارزش پولش هم کم شود، چه گناهی کرده است. ما ارزش پول را به مثلینی می‌دانیم که به مثلثیت است؛ کمی در قیمی می‌افتد. موضوع ربوی منتفی می‌شود. ان شاء الله خداوند ما را از همه شبهات در امان دارد.

ان شاء الله ماه خوب و خوش و با برکتی داشته باشید. ما از شما به خصوص در شب‌های قدر التماس دعا داریم. ان شاء الله با قرائت قرآن ترفیع داشته باشیم.

---

[1] بقره/سوره ٢، آيه ٢٥٧.

[2] عيون أخبار الرضا(ع)، الشيخ الصدوق، ج ١، ص ٢٩٥ - ٢٩٧.

[3] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٧، ص ٣٨١، أبواب آداب التجارة، باب ١، ح ١،  
ط آل البيت.

[4] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٣، ص ٣٩٦.

[5] شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام - ط اسماعيليان)، المحقق الحلي، ج ٢، ص ٤١.

[6] العروة الوثقى - جماعة المدرسين، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج ٦، ص ٧٧.

[7] مهذب الاحكام في بيان حلال و الحرام، السبزواري، السيد عبد الأعلى، ج ٢١، ص ٧١.

[8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ١٨، ص ٤٤٣، أبواب الصلح، باب ٣، ح ١، ط آل  
البيت.

[9] جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ٢٣، ص ٣٩٦.